



## رجب - سال اول (انسان: ۷-۱۱)

يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ﴿٧﴾ وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ﴿٨﴾  
 إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ، لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا ﴿٩﴾ إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا عَبَّوسًا قَمْطَرِيرًا ﴿١٠﴾  
 فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا ﴿١١﴾

[هم آنان که] پیوسته به نذرشان وفا می‌کنند، و از روزی که آسایش فراگیر است می‌ترسند «۷» و طعام را با این که [جهت نیاز خود] دوست دارند به بیچاره و یتیم و اسیر می‌خورانند، «۸» [و می‌گویند]: ما شما را فقط برای خشنودی خداوند اطعام می‌کنیم، نه هیچ پاداشی از شما می‌خواهیم، و نه سپاسی «۹» ما از پروردگاران روزی را که عبوس و بسیار هولناک است می‌ترسیم «۱۰» خداوند آنان را از آسیب آن روز حفظ می‌کند، و زیبایی و [جمال صورت، و قلبی سرشار از] سرور و شادی عطایشان می‌کند «۱۱»

امام صادق علیه السلام از پدر گرامیشان امام باقر علیه السلام در خصوص این آیات نقل می‌فرمایند که امام حسن و امام حسین علیهما السلام در دوران کودکی مریض شدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله به همراه دو نفر از یارانشان به عیادت آن‌ها رفتند. یکی از آن دو، به امیر المؤمنین علی علیه السلام عرض کرد: کاش برای شفای دو فرزند خویش برای خدا نذر می‌کردید؟

حضرت فرمودند: (اگر آن‌ها شفا یابند)، برای شکر و سپاس خداوند، سه روز، روزه می‌گیریم و حضرت فاطمه سلام الله علیها و آن دو فرزند و کنیز آن‌ها فضّه نیز فرمودند: ما هم سه روز، روزه می‌گیریم. پس خداوند آنان را شفا داد و آنان در حالی که غذایی نداشتند، روزه گرفتند.

حضرت علی علیه السلام نزد همسایه‌ی یهودی خویش، شمعون - که ریسنده‌ی پشم بود - رفتند و فرمودند: آیا این معامله را می‌پذیری که در مقابل رسیدن مقداری از پشم گوسفند توسط دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله، سه پیمانانه جو به من بدهی؟ آن مرد یهودی پذیرفت. پس حضرت علی علیه السلام آن مقدار پشم گوسفند و آن سه پیمانانه جو را آوردند و حضرت فاطمه سلام الله علیها را از آن باخبر ساختند و ایشان سلام الله علیها پذیرفتند. فاطمه سلام الله علیها رسیدن آن مقدار پشم گوسفند را شروع کردند و هنگامی که یک سوم آن را رسیدند، یک پیمانانه از آن جو را برداشتند و آسیاب کردند و پنج قرص نان پختند که به هر کدام از آن‌ها، یک قرص نان اختصاص می‌یافت. حضرت علی علیه السلام به همراه پیامبر صلی الله علیه و آله، نماز مغرب را به جای آوردند و به منزل آمدند و سفره را پهن نمودند و همه‌ی آن‌ها بر سر سفره نشستند و آن هنگام که علی علیه السلام اولین لقمه را برداشتند، فقیری کنار در آمد و عرض کرد: سلام علیکم ای اهل بیت محمد! من فقیری مسلمان هستم. از آن غذایی



که می‌خورید، به من نیز بدهید. خداوند شما را از سفره‌های بهشتی بهره‌مند سازد. پس علی علیه السلام لقمه‌ی خویش را بر زمین گذاشتند آن‌چه بر سفره بود، همه را به آن شخص فقیر بخشیدند و شکم گرسنه سر بر بالین نهادند و فقط آب نوشیدند. آن‌ها روز بعد را نیز روزه گرفتند. و مانند روز قبل موقع افطار یتیم مسلمانی در آستانه در ظاهر شد و عرض کرد: سلام علیکم ای اهل بیت محمد! من یتیمی مسلمان هستم، از آن غذایی که می‌خورید، به من نیز بدهید، خداوند شما را از سفره‌های بهشتی بهره‌مند سازد. پس آنان هر آن‌چه بر سفره بود به آن یتیم بخشیدند، و در حالت گرسنگی شب را به صبح رساندند و تنها آب نوشیدند. روز بعد را نیز روزه گرفتند و موقع افطار، اسیری اظهار نیاز کرد. پس آن‌ها بار دیگر آن‌چه بر سر سفره بود را به آن اسیر دادند و شب را با گرسنگی به صبح رساندند و تا صبح روز بعد، بدون غذا ماندند.

راوی نقل می‌کند که علی علیه السلام، حسن و حسین علیهما السلام را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله برد، در حالی که آن دو از شدت گرسنگی می‌لرزیدند. هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن دو را دیدند، با سرعت به خانه فاطمه سلام الله علیها رفتند و حال و وضع آنان را مشاهده نمودند، پس آنان را در آغوش گرفتند و اشک ریختند و فرمودند: سه روز است که شما در این حالت هستید. پس جبرئیل علیه السلام این آیات را بر ایشان نازل کرد.<sup>۱</sup>